

# ژورنال

شماره ۹۶۰

۱۱ فوریه ۲۰۲۵ - ۲۳ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

مذاکره با آمریکا ضرورت یا توهم!

نسان نودینیان

در سالگرد انقلاب ۵۷

دو سؤال از کاظم نیکخواه

انقلاب ۵۷، اینترنشنال و روایت شیرین عبادی (ها)

خلیل کیوان

به کمپین دفاع از حق زندگی زندانیان بیمار پیوندیم

پریسا پوینده

## مذاکره با آمریکا ضرورت یا توهم!

### نسان نودینیان

دومینوی "مذاکره نمی‌کنیم" از روز جمعه ۱۹ بهمن به دنبال صحبت‌های خامنه‌ای که به‌صراحت با مذاکره با آمریکا مخالفت کرد و گفت "مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست" فزونی گرفته است.

در مناسک ۲۲ بهمن در تهران پزشک‌یان گفت؛ امریکا به دنبال مذاکره نیست و وزیر دفاع، فرمانده کل ارتش، فرمانده کل نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران مذاکره با آمریکا را بی‌فایده خواندند.

پزشک‌یان با انتقاد از رفتارهای دوگانه ترامپ، او را

به توطئه‌چینی علیه ایران متهم کرد و اظهار داشت:  
”ترامپ می‌گوید بیایید گفت‌وگو کنیم و همان  
لحظه، تمام توطئه‌های ممکن را علیه ایران امضا  
می‌کند. می‌گوید می‌خواهیم مذاکره کنیم؛ تو اگر  
اهل مذاکره بودی، چرا این غلط‌ها را می‌کردی؟“  
صحبت‌های پزشک‌یان واکنش‌های مختلفی به دنبال  
داشت. قالیباف، رئیس مجلس اسلامی، گفت:  
مذاکره با همه دولت‌ها به‌جز آمریکا ممکن است  
و از دولت خواست تا از ایجاد دوقطبی در این  
زمینه پرهیز کند. حضور پزشک‌یان در دومینوی  
”مذاکره نمی‌کنیم“ مزورانه و نمایشی است. از  
منویات رعیت‌منشانه او به خامنه‌ای نشئت گرفته.  
به همین دلیل پیامدهای سیاسی متعددی به همراه  
خواهد داشت.

آدم و عالم می‌دانند که پزشکیان و دوایری از بیت رهبری از لاریجانی تا محمدجواد ظریف و.. سیاست راهبردی "چگونگی رسیدن جمهوری اسلامی به مسیر مذاکره" با غرب را اتخاذ کرده‌اند. توقف این سیاست کار ساده‌ای نیست. دوقطبی "ضرورت" و ادامه سیاست راهبردی مذاکره یا "توهم" مخالفت با مذاکره با آمریکا پیامدهای سیاسی مختلفی خواهد داشت.

بن‌بست در مذاکره به‌ویژه با تشدید تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی موجود، نارضایتی عمومی را افزایش داده و اعتراضات و دوقطبی و شکاف اجتماعی که بین توده مردم و جمهوری اسلامی ایجاد شده عمیق‌تر خواهد شد. بن‌بست مذاکره با آمریکا و غرب همچنین به تشدید قطب‌بندی

درون جناح‌های جمهوری اسلامی منجر شده و سیاست مقاومتی گفتمان ضد مذاکره جناح‌های اصول‌گرا تقویت خواهد شد.

اختلافات در جناح‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب که معمولاً بر تعامل با غرب تأکید دارند، با بن‌بست مذاکرات، بیشتر خواهد شد. این امر می‌تواند اختلافات درون این جناح را نیز افزایش دهد.

ادامه بن‌بست در مذاکرات نه تنها باعث قطبی‌تر شدن فضای سیاسی درون رژیم می‌شود، بلکه می‌تواند تنش‌های اجتماعی و نابسامانی اوضاع اقتصادی را نیز تشدید کند و اینکه مشکل مردم نه با مذاکره یا عدم مذاکره، بلکه تنها با سرنگونی رژیم قابل حل است.

## در سالگرد انقلاب ۵۷

### دو سؤال از کاظم نیکخواه

**سوسن صابری:** این روزها به مناسبت ۴۶مین سالگرد انقلاب ۵۷ بحث‌های مختلفی در مخالفت و همین‌طور در دفاع از آن انقلاب در سطح جامعه در جریان است. چرا انقلاب شد؟ شما زمینه‌های شکل‌گیری و اهداف انقلاب ۵۷ را چطور ارزیابی می‌کنید؟

**کاظم نیکخواه:** انقلاب ۵۷ انقلابی علیه حاشیه‌نشینی، فقر، دیکتاتوری، ساواک، و بی‌حقوقی مطلق مردم بود. انقلاب از شورش حاشیه‌نشینان شروع شد. جامعه ایران در زمان پهلوی یک جامعه کاملاً خفقان‌زده بود که به آن گورستان آریامهری می‌گفتند. شاه

می‌گفت یا تمکین کنید یا از ایران بروید. اما حتی امکان ترک کشور وجود نداشت. باید یا تمکین می‌کردی یا به زندان و زیر شکنجه ساواک می‌رفتی. بگذارید به تجربه مشخص خودم اشاره‌ای بکنم. من دانشجوی جوانی بودم که طی سه سال و نیم دانشگاه سه بار زندان رفتم. یعنی هر سال یک‌بار! دفعه سوم به جرم مارکسیست بودن و سازمان‌دهی اعتصابات دانشجویی به ۱۵ سال زندان محکوم شدم بدون اینکه با هیچ سازمان و حزب سیاسی در ارتباط باشم و یا به‌جز بحث با هم‌کلاسی‌ها کاری کرده باشم. بعد از انقلاب معلوم شد که هم‌اتاقی من یک کادر فعال ساواک بوده و تمام حرکات و حرف‌ها و تماس‌های مرا به ساواک گزارش می‌کرده. این یک نمونه کوچک و زنده از کل فضای جامعه در زمان شاه بود. یک اقلیت درباری و اشرافی از خودراضی و

غرق در ثروت در همه جا یکه تازی می کرد و مردم را نوکر و پادوی خودش می دانستند.

در این فضا روشن است که مردم حق داشتند انقلاب کنند و سرنگونی دیکتاتوری پهلوی را فریاد بزنند. شکاف طبقاتی بسیار عمیق و گسترده بود. برخلاف آنچه سلطنت طلبان تبلیغ می کنند فقر در میان بخش های وسیعی از مردم بیداد می کرد. حلبی آبادها در حاشیه همه شهرهای بزرگ در حال گسترش بودند. محرومیت از تحصیل وسیع بود. یک اقلیت مفت خور در ثروت های نجومی غلت می زد.

حکومت شاه همه جریانات سیاسی را سرکوب کرده بود؛ اما تا دلتان بخواهد روی مذهب سرمایه گذاری می کرد و دست اسلامی ها را تا آنجا که مستقیماً علیه



شاه اقدامی نمی‌کردند، باز گذاشته بود. حتی رادیو و تلویزیون دولتی هر روز برنامه‌های متعددی در تبلیغ اسلام و خرافه پخش می‌کرد. شبکه سراسری گسترده‌ای از مساجد و تکایا و حوزه‌های "علمیه" و محافل اسلامی شکل گرفته بود و همه جا ریشه دوانده بود و خمینی با شروع انقلاب بر این شبکه‌های اسلامی سوار شد و توانست به کمک بی‌بی‌سی و مدیای فارسی‌زبان غربی بر انقلاب سوار شود و حکومت اسلامی را سرکار بیاورد.

**سوسن صابری:** درس‌های انقلاب ۴۶ سال گذشته برای انقلاب امروز ما کدام‌اند؟ چه جامعه از آن درس‌ها برای انقلاب زن زندگی آزادی چگونه باید استفاده کند؟

**کاظم نیکخواه:** در مورد درس‌های انقلاب می‌توان کتاب‌ها نوشت. به طور خلاصه آن انقلاب نشان داد که انقلاب یک امر خودجوش و توده‌ای است؛ اما احزاب و جریانات سیاسی می‌توانند اهداف و شعارهای خود را بر متن آن جلو ببرند. انقلاب نشان داد که وقتی پای سرنگونی پیش می‌آید همه مردم یک دل و یک‌زبان‌اند و تفاوت‌های قومی و ملی و مذهبی رنگ می‌بازد. این را در شرایط امروز ایران بسیار بیشتر از پیش می‌توان مشاهده کرد. انقلاب ۵۷ نشان داد که خواست‌های سیاسی مشخصی که چپ نمایندگی می‌کند مثل آزادی بیان، آزادی احزاب، ممنوعیت اعدام، رفاه برای تک‌تک مردم و جدایی دین از دولت بسیار حیاتی است و نباید اجازه داد که تمایلات مبهم و نامشخص بر انقلاب حاکم شود.

انقلاب ۵۷ علیه دیکتاتوری بود؛ اما یک خواست مشخص در مورد آزادی بیان و تشکل و حزب، یا علیه اعدام و زندان و فقر بر متن آن جلو نیامده بود و این خود یکی از کمبودهای جدی بود که به ارتجاع اسلامی امکان فریب مردم را داد. یادم است مردم می‌گفتند "شاه برود هر جانوری بیاید بهتر است" و در نتیجه جانوری بدتر از شاه سرکار آمد! بالاخره اینکه نباید اجازه داد که جریاناتی که کارنامه دیکتاتوری و ارتجاعی و ضد مردمی دارند در انقلاب جلو بیفتند. راه جلوگیری از اینها هم تعیین دادن به خواست‌های رفاهی و پیشرو و مردمی است.

# انقلاب ۵۷، اینترنت‌نشال و روایت شیرین عبادی (ها)

خلیل کیوان

رسانه اینترنت‌نشال عقاید و نظرات افراد را به‌عنوان “خبر” به جامعه پمپاژ می‌کند. از صفحه اینستاگرامی شیرین عبادی نقل می‌کند: “من در سال ۹۸، بابت حضور در انقلابی که نتیجه آن رنج مضاعف مردم و آینده‌ای تاریک برای جوانان شد، عذرخواهی کردم از دیگران می‌خواهم مسئولیت خود را در آنچه امروز ایران با آن مواجه است، بپذیرند.”

چنین اظهاراتی از سوی شیرین عبادی غیرقابل‌انتظار نیست. او اگرچه فردی خیرخواه است؛ اما هیچ‌وقت درک درستی از روندهای

سیاسی کشور نداشته است و از نظر سیاسی همواره به دنبال اوضاع کشیده شده است. از پیش از انقلاب ۵۷ وی اطلاعاتی در دست نیست؛ اما در دوره اصلاحات تمام همت خود را به خرج داد تا نشان دهد رژیم اصلاح پذیر است و اسلام و حقوق بشر با هم سازگارند. خوشبختانه او مثل بسیاری دیگر با طنین ”اصلاح طلب اصول گرا دیگه تمامه ماجرا“ به خود آمد و به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی کشیده شد.

شیرین عبادی نغزی نگفته است و گوهر نهفته‌ای در حرف خود ندارد. روایتی در باره انقلاب ۵۷ را بازگو می کند که به مذاق اینترنشنال خوش است. اظهارات شیرین عبادی از یک منظر پوپولیسم و عوام فریبی هم هست. از این رو نزد مردم عادی

هم گوش شنوا دارد و مهم‌تر از آن مدافعین رژیم گذشته و اینترنشنال را به وجد می‌آورد.

قیاس ساده‌ترین نوع قضاوت است. نسل‌هایی که بعد از انقلاب به دنیا آمدند اکثراً تجربه و درک درستی از سرکوب و استبداد و فساد و نابرابری‌ها در رژیم گذشته ندارند. زمینه‌ها و دلایل و مسائلی که منجر به انقلاب شد را نمی‌شناسند و تحت تأثیر تبلیغات، مصائب و فجایع امروز را به پای انقلاب می‌نویسند. انقلابی ضد استبدادی که برای آزادی و برابری بود؛ اما توسط جمهوری اسلامی به خون کشیده شد.

به جز بخش پیشرو، توده مردم و افرادی چون شیرین عبادی زحمت جستجوی حقیقت و چرایی

شکست انقلاب ۵۷ و پاسخ به سؤالات بنیادین و شناخت زمینه‌ها و روندهایی که منجر به انقلاب شد را به خود نمی‌دهند. طرف‌داران رژیم سابق و رسانه‌هایی چون من و تو و اینترنت‌شنال روی این ذهنیت حساب باز کرده‌اند. یک چیز اما با نقشی که بی‌بی‌سی در آن عصر انقلاب دیجیتال و در روی کار آوردن خمینی داشت فرق کرده است. اکنون عصر انقلاب انفورماتیک، ماهواره و اینترنت و موبایل‌هاست. انحصار خبری و اطلاعات از دست رسانه‌ها خارج شده است.

# به کمپین دفاع از حق زندگی زندانیان بیمار پیوندیم

## پریسا پوینده

در حال حاضر هزاران نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی تحت بدترین شرایط زیستی و سلامت به سر می‌برند. این شرایط غیرانسانی مصداق بارز "شکنجه‌های جسمی و روانی" است. زندانیان سیاسی به دلیل بازجویی‌های طاقت‌فرسا همراه با ضرب و شتم، تهدیدات جنسی، شکنجه‌های جسمی، روحی و روانی و شرایط غیرانسانی زیستی و تغذیه در زندان و محرومیت از دارو و درمان ویژه، به انواع بیماری‌ها مبتلا شده‌اند. در مواردی اگر بیماری خفیفی از قبل داشته‌اند با قرارگرفتن در شرایط غیراستاندارد انسانی و به طور ویژه عدم



برخورداری از دارو و درمان ویژه، بیماری‌شان و خامت پیدا کرده است و در مواردی در صورت انتقال به بیمارستان، بدون طی کردن پروسه کامل بهبودی و سلامت بلافاصله به زندان بازگردانده می‌شوند.

زندانیان سیاسی و عقیدتی بیمار زیادی در زندان‌های متعدد، از امکانات درمانی و بهداشتی برخوردار نیستند و به همین دلیل هر روز شاهد مرگ تدریجی خود هستند.

جمهوری اسلامی عامدانه و کاملاً هدفمند زندانیان سیاسی بیمار را از دارو و درمان محروم کرده است. این یک سیاست سیستماتیک رژیم برای حذف فیزیکی زندانی سیاسی است. جمهوری اسلامی طی

سال‌های گذشته و بیشتر از هر زمانی امروز قصد دارد به‌جای اعدام زندانی سیاسی و روبروشدن با اعتراضات جهانی این زندانیان را در سکوت به قتل برساند. این سیاست رژیم "اعدام خاموش" و مصداق بارز "جنایت علیه بشریت" است.

"شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران" با اعلام کمپین "نگذارید قلبشان از تپش بازایستد" از همه شما مردم آزادی‌خواه، نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق انسانی، اتحادیه‌ها، تشکلات و شبکه‌ها می‌خواهد به این کمپین بپیوندید تا صدای زندانیان سیاسی و عقیدتی بیمار و خانواده‌هایشان با خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان باشیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: [journalfarsi@gmail.com](mailto:journalfarsi@gmail.com)

اینستاگرام:

[www.instagram.com](http://www.instagram.com)

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

[https://twitter.com/Journal\\_Farsi](https://twitter.com/Journal_Farsi)

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال